



رضا وطنخواه، گذشته‌ها و رازهای سر به مهر ، «فاکتی» از شاهین تا دانشگاه شریف

▪ فوتبال را از زمین خاکی‌های خیابون شاپور در منطقه راه‌آهن تهران شروع کرد، به شاهین و پرسپولیس رفت و سر از میز استادی دانشگاه صنعتی شریف در آورد.

گروه ورزشی—نام رضا وطنخواه یا نام مرحوم پرویز همداری عجبین شده است؛ مردی که در سال‌های مربیگری همداری در تیم ملی، دست راست او بود و به گواه برخی از بازیکنان، ردپای او در ماجرای استعفاي دسته جمعی بازیکنان ایران هم دیده می‌شود اما او هیچ‌گاه درباره وقایع آن دوره سخن نگفته و همچنان به قول خود پایبند است. در جوانی به علت عملکرد خوب و مستحکمش در خط دفاعی، به تاسی از بازیکن تیم ملی ایتالیا و ایتنر میلان، لقب «فاکتی» را از هواداران پرسپولیس گرفته بود. با اتمام دوران فوتبالش، مربیگری را کنار دست همداری شروع کرد و حالا در گوشه‌ای آرام و به دور از هیاهو، دوران بازنشستگی خود را طی می‌کند. رضا وطنخواه متولد ۲۰ بهمن ۱۳۲۵ است و در ۷۶ سالگی خاطرات و اتفاقات کوچک و درشت دوران فوتبالتش را زیر و رو می‌کند و در آخر می‌گوید از زندگی‌اش راضی است و حسرت هیچ چیزی رانمی‌خورد. در ادامه این گفت‌وگو را می‌خوانید:

فوتبال را از کجا شروع کردید؟ شما ادامه دهنده راه برادران در خانواده بودید؟

بیوک (عزت‌الله) و وطن خواه از من پنج سال بزرگتر بود. فعالیت ورزشی خودم را از تیم راه آهن شروع کردم. خانه ما در منطقه راه آهن بود. من در انتهای محله شاپور در کوچه تهرناهی به دنیا آمدم. پدرم کارمند راه آهن بود که از منطقه آذربایجان به تهران منتقل شد. مرحوم «آقامد» (رسول مدد نوی، بنیان گذار فوتبال راه آهن) مسئول فوتبال راه آهن بود. من هم مانند برادرم که در نزدیکی خانه پدری بود، از این تیم فوتبال را شروع کردم. ۱۵ سالم بود که در این تیم بازی کردم و از ۱۶ سالگی به تیم بزرگسالان راه آهن رسیدم. در آن دوران در مسابقات باشگاهی و در دیدار راه آهن و شاهین، ورپوری برادرم بیوک بازی کردم که در تیم شاهین حضور داشت. در سال ۴۲، در دیدار دوستانه راه آهن و شاهین به میدان رفتم که دکتر اکرامی بازی من را ببیندند و به برادرم گفت که با من برای حضور در تیم شاهین صحبت کن. من از ۴۲ تا ۴۶ در تیم شاهین به میدان رفتم تا اینکه این تیم منحل شد.

ماجرای انحلال شاهین چه بود؟ چه اتفاقی بعد از بازی شاهین و تهران جوان رخ داد که این تیم را منحل کردند؟
در سال ۴۶ در یک بازی با اخراج ابراهیم آشتیانی ۱۰ نفره شدیم و با دو گل عقب بودیم اما در نیمه دوم با نتیجه ۳ بر ۲ به پیروزی رسیدیم. فردای آن بازی گفتند که شاهین منحل شده است. به نتیجه همه ما به طور دسته جمعی به پرسپولیس رفتیم. در فروردین سال ۴۷ در اولین داری تهران مقابل تاج بازی کردم. فوتبال را تا اسفند سال ۵۶ ادامه دادم و نزدیک به ۱۱ سال به پرسپولیس حضور داشتم و به جز دروازه‌بان، در همه پست‌ها به میدان رفتم. حدودا ۴ سال هم در تیم ملی بودم و ۴ بازی ملی انجام دادم.

بعد از اتمام دوران بازیگری خودم، به سراغ مربیگری رفتم و در تیم‌های ایرانی و الشعب امارات هم مربیگری کردم. در تیم‌های ملی پایه سرمربی بودم و در تیم ملی بزرگسالان هم مربیگری

حقیقت امر این است که یک اتفاق خاص رقم خورد. به علت برگزاری جام کشتی «آریا مهر» دوربین‌های تصویربردار در ورزشگاه آزادی حضور نداشتند اما ورزشگاه مملو از جمعیت بود. هیچ کسی هم به طور شخصی فیلم برداری نمی‌کرد. کسانی که دوست ندارند واقیعت را قبول کنند، می‌گویند ۶ بر صفر درست نیست اما روزنامه‌ها و جراید بازی را پوشش داده بودند. اتفاق نادری بود. فکر نمی‌کنم دیگر هیچ وقت این بازی با اختلاف ۶ گل تمام شود.

قبل از بازی شرایط چطور بودو بعد از آن چه حسی داشتید؟
در آن زمان فوتبال به این شکل نبود. بازیکنان به طور دلخواه قبل از بازی گرم می‌کردند و من هم عضو تیم ملی بودم. به‌همین دلیل رفتاری باغلامحسین مظلومی داشتم و با هم صمیمی بودیم. غلامحسین به من گفت «رضا اگر شما را ببریم، تیمسار خسروانی به هر نفر ۳۰۰۰ تومان پول می‌دهد.» به او گفتم «غلامحسین اگر تماشاگری در ورزشگاه نودی می‌گذاشتم ما را ببرید که ۳۰۰۰ تومان برسی!» وقتی بازی را بردیم به علی پورتلر که بچه زبلی بود گفتم ماجرا چه بوده و او هم با مرحوم عبده (مدیرعامل پرسپولیس) صحبت کرد و او هم به هر نفر ۳۰۰ تومان پاداش داد.

صنعتی شریف شلده بودم و دوست داشتم بیشتر تدریس کنم. وقتی جوان‌تر هم بودم، بیشتر دوست داشتم در دنیا علم باشم. خیلی هم اصرار کردند که از فوتبال خداحافظی نکنم اما دوست داشتم تمرکزم را روی علم بگذارم. به خصوص علی پروین خیلی اصرار کرد و من هم توان بازی کردن داشتم ولی دیگر نمی‌خواستم روی زمین چمن با یکویم. در عوض دوست داشتم فعالیت مربیگری را ادامه دم. به جای من محمد پنجعلی در پرسپولیس بازی کرد که بازیکن بزرگی هم شد.

در پرسپولیس هم مربیگری



کردید؟

در دوران سرمربیگری مهرباب شاهرخی دستیار او بودم. دوست داشتم خودم مسئول تیم باشم و مربیگری را از تیم نادر در سطح دوم فوتبال ایران شروع کردم و در تیم‌های مختلف مثل پرسپولیس، تراکتور، سپاهان، مس کرمان، پتروشیمی تیریز، راه آهن، نیروی زمینی و این اواخر هم در تیم‌های سردار پویان و زنجان مربیگری کردم. **از دکتر اکرامی یارهای یاد کرده‌اید. او چقدر در زندگی شما نقش ایفا کرد؟**

زندگی مرا سه نفر تغییر دادند. «آقا مدد» مرا به راه آهن برد. مرحوم دکتر اکرامی باعث شد به دانشگاه بروم و افتخار هم‌بازی بودن با مرحوم همداری را داشته که او هم مانند دوست، تازمانی که دیده از جهان فرو بست، کنار من بود. این سه نفر در زندگی من تاثیر گذار بودند.

چند سال با مرحوم همداری اختلاف سنی داشتید؟
مرحوم همداری ۱۰ سال از من بزرگتر بود. او علاقه داشت که بازیکنان جنوب شهر بیشتر دیده شوند و با بازیکنانی مانند من، ابراهیم آشتیانی و… از تباط غیر فوتبالی هم داشت و تا جایی که می‌توانست به همه کمک می‌کرد. این بود که بیشتر به هم نزدیک شدیم. از زمان هم‌بازی شدن در شاهین تا زمانی که دیده از جهان فرو بست، کنار هم بودیم. حتی وقتی در الشعب امارات، سرمربی بودم، او به خانه من آمده بود و به من کمک فکری می‌داد.

شما در داریبی سال ۵۲ که با برتری ۶ بر سفر پرسپولیس مقابل تاج تمام شد، حضور داشتید. از آن بازی هیچ فیلمی هم نیست اما روایت‌های مختلفی وجود دارد.

ورزشی

تا چه سالی با آقای همداری در تماس بودید؟
منزل ما در اکیاتان بود. پرویز خان هم دیوار به دیوار ما زندگی می‌کردند. خیلی به همدیگر نزدیک بودیم. **از قدیمی‌ها با کسسی در ارتباط هستید؟**
قدیمی‌های شاهین از دنیا رفته‌اند. بهزادی، کاشانی، مهرباب شاهرخی و… در قید حیات نیستند. فقط حسین کلانی و برادر دیگرم در قید حیات هستند. کاظم رحیمی هم نمی‌دانم کجاست. من هم هر روز و فردای می‌مرم و نسل شاهینی هاتمام می‌شود.

وقتی تیم ملی با خداحافظی ۱۴ تن از بازیکنان نامدار خود روبرو شدید، آقای همداری و شما با استفاده از بازیکنان جوان و کم تجربه یکن سانس را در فوتبالی ملی رقم زدید که ستاره‌هایی مانند احمد رضا عابدزاده، جواد زرینچه، صمد مرفاوی و … ظهور کردند.

بعد از آن اتفاق، زرینچه، مهدی فنونی زاده، مجید نامجو مطلق و… که در تیم ملی جوانان شاگرد من بودند، به تیم ملی دعوت شدند. بعد که آن سانس اتفاق افتاد، شروع کردیم به کار کردن و خوشبختانه نتیجه خوبی گرفتیم و در قطر سوم آسیا شدیم و چین را در ضربات پنالتی بردیم. عابدزاده، زرینچه، سیامک رحیم پور، مجتبی محرم، نامجو مطلق، دکتر علیرضا اسدی، کریم بوی، بیژن طاهری، مرندی کرمانی مقدم و… شاگردان ما بودند که بعدا با پروین توانستند در مسابقات آسیایی قهرمان شوند.

در اولین بازی تیم ملی بعد از بازگشایی ورزشگاه‌ها، در دیدار ایران و ژاپن که با شکست تیم ملی همراه بود، به مرحوم همداری یطی شدن ی به سمت او برف انداختند. ماجرا چه بود؟
منافع برخی به خطر افتاده بود و آن اتفاق ناجوانمردانه رقم خورد. در هر

تیم ملی کنار پرویم و به ما هم گفتند جزو گزینه‌ها نباشیم. در نتیجه آقای مناجاتی سرمربی تیم ملی شدند و سپس آقای پروین بر سر کار آمد.

شایعه است که آقای پنجعلی از افسردگی زیر نامه استغفار امضا کرده بودند، از شما گلایه‌هایی داشتند چرا که به آقای همداری گفته بودید مسگر ساروی را به جای پنجعلی به زمین بفرسند. آن هم در شرایطی که پنجعلی از بازی منتخب جهان برکنشته بود.

این‌ها شایعه است. تمام مسائل فنی زیر نظر پرویز خان بود و کسی دخالت نمی‌کرد. من و پنجعلی و سایر پیشکسوتان تاقبیل از کرونا همدیگر را می‌دیدیم. معمولا باشگاه پرسپولیس گردهمایی برگزار می‌کرد که پیشکسوتان همدیگر را می‌دیدند اما دیگر مراسم‌ها هم وجود ندارد. **این روزها به چه کارهایی مشغول هستید؟**

در حال حاضر تدریس می‌کنم و بعد از عمل جراحی به علت ابتلا به سرطان، سعی می‌کنم در دانشگاه ورزش کنم.

با مرحوم همداری چند سال در تماس بودید؟
از زمانی که به تیم شاهین رفتم تا فوت ایشان، به طور مرتب در تماس بودیم. ما ارتباط خانوادگی داشتیم. بعد از ازدواج شیدا و مهاجرت شاهین (فرزندان مرحوم همداری) به خارج از کشور، از تباط ما هم کمتر شد.

در یک بازی تشریفاتی با یک تیم برزیلی، دو بار گلنژی خوردید. ماجرا چه بود؟

الکی دو گل زدم. من هافبک چپ بودم و همایون بهزادی مهاجم سرسرن تیم بود. همایون روی هر دو گل توپ را جلوی پای من کاشت و من هم دو گل الکی زدم.

خیلی عجیب است که اینطور از دو گل خود یاد می‌کنید.
فوتبال، بزرگ کردن ندارد. همه شریف شوند اما همه فوتبال بازی می‌کنند. آرزو داشتم از همان اول عضو هیات علمی دانشگاه می‌شدم. فوتبالست‌ها ما مایه افتخار هستند اما هیات علمی دانشگاه بکشید، خیلی زیاد است. من به فوتبالیست‌ها هم احترام می‌گذارم و برای قابل تقدیر هستند.

چیزی هست که بعد از سال‌ها حسرت آن را بخورید؟
حسرت؟ نه برای هیچ چیز حسرت نخوردم. فقط حسرت این را می‌خورم که چرا پدر و مادر نیستند. حسرت چه چیزی را بخورم؟ خدا را شکر زن و بچه خوبی دارم. خانواده خوبی دارم. اقوام خوبی دارم. خداوند از این بیشتر باید به من لطف می‌کرد؟ حالا هم اگر مریض شدم، خدا را شکر می‌کنم. چه اشکالی دارد مدتی هم

مریض باشم؟ همه ما یک زمانی را باید زندگی کنیم و بعد هم فوت می‌کنیم. **در زندگی به حقتان رسیدهاید؟**
به بیشتر از حقم رسیده‌ام. بچه جنوب شهر بسودم. بهتر از این چه می‌خواهم؟ از همه چیز راضی هستم. ۴۰ سال عضو دانشگاه صنعتی شریف بودم. دانشجوهای من مسئولان مملکت هستند و این برای من بزرگترین اتفاق است.

اتفاق تلخی در زندگی‌تان رخ داده که با یاد او در آن ناراحت شوید؟

زندگی بالا و پایین دارد. از دنیا رفتن پدر و مادرم، دکتر اکرامی و پرویز خان خیلی ناراحت‌کنر کرد. آن‌ها برای من خیلی زحمت کشیده بودند. ولی چه می‌شود کرد؟ یک روزی هستی و یک روز هم باید بروی.

از زندگی لذتی می‌برید؟
دو، سه ماه عیش قبل نوه کلم بودم. دنیا مال من نبود. رفته بودم اوکر این و بعد هم در ترکیه بودم. بهترین زندگی من در دارم. نوه کلم را دارم. خدا را شکر. با او به صورت تلفنی در تماس هستم. **موضوعی هست که با خود بگوید کاش به شکل دیگری رقم می‌خورد؟**
نه خدا را شکر که الان هم زندگی راحتی دارم. خدا را شکر می‌کنم.

مطلب دیگری هست که بخواهید بگویید؟
مرحوم پرویزخان به من می‌گفت رضا منیج و مرتجان. مرحوم همداری همیشه این بیت شعر را می‌گفت که «این کاخ که می‌بینی، گاه از تو و گاه از من.» می‌گفت به خاطر ششمی که با یک نان بربری سیر می‌شود، آدم نباید گردنش جلوی هر کس و ناکسی خم کند.

اقتصاد کیش

می‌گویند اگر امروز فوتبال بازی می‌کردند، می‌توانستند کارهای آن‌ا به جای یک پله، چندین پله داریم. فوتبال خیلی بهتر شده است. روز به روز به جلو می‌رویم. هنر، سیاست و اقتصاد هم همینطور است. فوتبال فرق کرده است. نمی‌توان گفت اگر مارادونا امروز بازی می‌کرد بهترین بازیکن می‌شد. یکن باوئر در زمان خودش مدافع قدری بود. بایسی چارتون در زمان خودش اسطوره بود.

در دوران خودتان کدام فوتبالیست‌ها خیلی سطح بالا بودند؟
همایون بهزادی و پرویز قلیچ‌خانی بازیکنان سرشناسی بودند. این دو بازیکن واقعا خوب بودند. ناصر حجازی و علی پروین هم خوب بودند. **چه کسی را بهترین بازیکن تاریخ فوتبال ایران می‌دانید؟**
نمی‌توان گفت بهترین کیست. پرویز قلیچ‌خانی یکی از بهترین‌های فوتبال این مملکت بود.

بهترین فوتبالیست حال حاضر ایران کست؟
فکر می‌کنم طارمی و آزمون بهترین‌های نسل حاضر باشند.

در این سال‌ها چه کسانی خیلی خوب و رو به جلویی انجام می‌دادند؟
علی دایی و علی کریمی بازیکنان شاخصی بودند که در خارج از کشور هم بازی کردند.

مختصره بارزی از گذشته دارید؟
من اهمیتی به خاطرات نمی‌دهم. فوتبال برای من درس زندگی نبود بلکه این دانشگاه و تدریس و عضویت در هیات علمی دانشگاه بود که مسیر من را مشخص کرد.

شما خیلی دوران فوتبالتان را بارز نمی‌دانید اما جزو بازیکنان نامرد بودید.
فوتبال، بزرگ کردن ندارد. همه نمی‌توانند عضو هیات علمی دانشگاه شریف شوند اما همه فوتبال بازی می‌کنند. آرزو داشتم از همان اول عضو هیات علمی دانشگاه می‌شدم. فوتبالست‌ها ما مایه افتخار هستند اما هیات علمی دانشگاه بکشید، خیلی زیاد است. من به فوتبالیست‌ها هم احترام می‌گذارم و برای قابل تقدیر هستند.

چیزی هست که بعد از سال‌ها حسرت آن را بخورید؟
حسرت؟ نه برای هیچ چیز حسرت نخوردم. فقط حسرت این را می‌خورم که چرا پدر و مادر نیستند. حسرت چه چیزی را بخورم؟ خدا را شکر زن و بچه خوبی دارم. خانواده خوبی دارم. اقوام خوبی دارم. خداوند از این بیشتر باید به من لطف می‌کرد؟ حالا هم اگر مریض شدم، خدا را شکر می‌کنم. چه اشکالی دارد مدتی هم

مریض باشم؟ همه ما یک زمانی را باید زندگی کنیم و بعد هم فوت می‌کنیم. **در زندگی به حقتان رسیدهاید؟**
به بیشتر از حقم رسیده‌ام. بچه جنوب شهر بسودم. بهتر از این چه می‌خواهم؟ از همه چیز راضی هستم. ۴۰ سال عضو دانشگاه صنعتی شریف بودم. دانشجوهای من مسئولان مملکت هستند و این برای من بزرگترین اتفاق است.

اتفاق تلخی در زندگی‌تان رخ داده که با یاد او در آن ناراحت شوید؟
زندگی بالا و پایین دارد. از دنیا رفتن پدر و مادرم، دکتر اکرامی و پرویز خان خیلی ناراحت‌کنر کرد. آن‌ها برای من خیلی زحمت کشیده بودند. ولی چه می‌شود کرد؟ یک روزی هستی و یک روز هم باید بروی.

۴۴۴۲۴۹۶۹
۴۴۴۲۴۹۹۹

پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش

گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش

اقتصاد کیش

روزنامه